

یادداشت

صف‌های سبز، وجدان‌های خاکستری آینده‌ای به نام طبیعت

سمانه‌ناظریان

پژوهشگر ومدرس دانشگاه

سال‌هاست که صف‌های سبز در عکس‌ها، گزارش‌ها و بروشورهای تبلیغاتی پررنگ‌تر از واقعیت می‌شوند؛ اما هم‌زمان، وجدان جمعی ما در برابر طبیعت، آرام‌آرام به رنگ خاکستری درمی‌آید. تخریب محیط زیست در ایران، دیگر یک بحران پنهان یا مسئله‌ای تخصصی نیست؛ نشانه‌های آن در هوا، آب، خاک و سبک زندگی روزمره ما ملموس است. در دهه‌های گذشته، جنگل‌ها، کوه‌ها و سواحل شمال کشور نه‌تنها ذخایر طبیعی، بلکه بخشی از حافظه فرهنگی و زیستی ما بوده‌اند. اما امروز توسعه‌ای شتاب‌زده و اغلب فاقد پیوست‌های اخلاقی و محیط‌زیستی، این سرمایه‌های بین‌نسلی را به کالایی مصرفی تبدیل کرده است؛ کالایی برای لذت کوتاه‌مدت امروز، به بهای محرومیت فردا. هوای پاک، به تعبیر ویلیام کلاسِر، روان‌شناس و نظریه‌پرداز آمریکایی، یکی از بنیادی‌ترین نیازهای انسان است؛ نیازی که بدون آن، امنیت روانی، سلامت جسم و حتی احساس تعلق اجتماعی فرومی‌ریزد. با این حال، در تصمیم‌های کلان و خرد، بارها این حق بدیهی نادیده گرفته شده است؛ از تغییر کاربری بی‌رویه اراضی طبیعی گرفته تا ساخت‌وسازهایی که تنها بخش کوچکی از سال استفاده می‌شوند. مارگارت مید، مردم‌شناس برجسته آمریکایی که با مطالعات میان‌فرهنگی خود درباره رشد و آموزش انسان‌ها شناخته شده است، نشانه آغاز تمدن را درمان یک استخوان شکسته می‌دانست؛ لحظه‌ای که انسان مسئولیت رنج دیگری را می‌پذیرد. اگر این تعریف را بپذیریم، پرسش تلخ این است: آیا ما در برابر رنج طبیعت و نسل‌های آینده، هنوز تمدنانه رفتار می‌کنیم؟ مسئله محیط زیست، صرفاً مسئله درخت و خاک نیست؛ مسئله حکمرانی، اخلاق و انتخاب است. هر جاده‌ای که بدون ارزیابی ظرفیت اکولوژیک کشیده می‌شود، هر ویلايي که جای جنگل می‌شیند و هر سکوتی که در برابر تخریب اختیرا می‌شود، تصمیمی است که پیامدهای آن سال‌ها بعد آشکار خواهد شد. اما هشدار، اگر به راهکار ختم نشود، به یأس می‌انجامد. تجربه جهانی نشان می‌دهد که می‌توان میان بهره‌مندی انسان و حفظ طبیعت، تعادلی عقلانی برقرار کرد؛ به شرط آنکه توسعه، هوشمند و مسئولانه طراحی شود. راهکارهای عملی و فوری‌تی شامل حرکت به سوی اقامتگاه‌های جمعی به جای ویلاسازی پرانگنده است، به طوری که مجتمع‌های هتل یا اقامتگاه‌های خانوادگی در تمام طول سال بهره‌برداری شوند و با مدن‌های اقتصادی مناسب، امکان استفاده طیف وسیع‌تری از خانواده‌ها فراهم شود؛ این اقدام نه‌تنها فشار بر جنگل‌ها و زمین را کاهش می‌دهد، بلکه حفظ طبیعت را تسهیل می‌کند. همچنین، توسعه گردشگری پایدار با مشارکت جوامع محلی، ایجاد مسیرهای طبیعت‌گردی کنترل‌شده و کمپ‌های استاندارد، می‌تواند منبع درآمد پایدار برای ساکنان فراهم کند، بدون آنکه تخریب محیط زیست را افزایش دهد. تشویق به تغییر کاربری قانونی و پایدار نیز ضروری است؛ صدور مجوز صرفا برای هتل‌ها و کمپ‌های استاندارد، جلوگیری از تغییر کاربری غیرمجاز جنگل‌ها و وضع مالیات یا جریمه برای زمین‌های کم‌استفاده یا غیرقانونی، از جمله اقداماتی است که اجرای آنها اثرگذاری طولانی‌مدت دارد. علاوه‌براین جبران وضعیت موجود، از طریق بازخريد یا اصلاح پروژه‌های ویلایی تک‌خانوارى و تبدیل آنها به اقامتگاه‌های جمعی یا فضای سبز، و همچنین تشویق به کاشت درخت و احیای پوشش گیاهی در اطراف اقامتگاه‌ها، می‌تواند تعادل اِردست‌رفته را بازگرداند. این پیشنهادها نه آرمانی‌اند و نه دور از دسترس؛ تحقق آنها بیش از هر چیز، نیازمند اراده سیاست‌گذار و شجاعت تصمیم‌گیری برای ترجیح منافع بلندمدت عمومی بر سودهای کوتاه‌مدت فردی است. امروز، بیش از هر زمان دیگر، به بازتعریف مفهوم پیشرفت نیاز داریم؛ پیشرفتی که در آن، صف‌های سبز تنها در قاب تصویر نمانند و وجدان‌های خاکستری دوباره به رنگ مسئولیت و مهدلی بازگردند. آینده‌ای که نام طبیعت را یدک می‌کشد، تنها زمانی محقق می‌شود که بپذیریم هر تصمیم امروز ما، نفس فردای فرزندان‌مان را شکل می‌دهد.

فساد ساختاری در حمل‌ونقل مسافری؛ انباشت مطالبات نادیده گرفته‌شده

شیدا آریایی‌بور

پژوهشگرحقوقی

حمل‌ونقل مسافری فقط ابزار جابه‌جایی نیست، بلکه بازتابی از کیفیت حکمرانی و میزان احترام به حقوق شهروندان است. بااین‌حال، آنچه امروز در بخش‌هایی از این حوزه دیده می‌شود، فراتر از ضعف‌های مقطعی مدیریتی است و نشانه‌هایی از مشکلات ساختاری تعارض منافع و بی‌توجهی مزمن به مطالبات عمومی را در خود دارد. فساد در این حوزه لزوماً به شکل تخلف آشکار بروز نمی‌کند، بلکه در قالب رویه‌های غیرشفاف مجوزدهی‌های محدودکننده قیمت‌گذاری‌های غیرقابل پیش‌بینی و نظارت‌های کم‌اثر بازتولید می‌شود. نتیجه آن، کاهش رقابت، تضعیف کیفیت خدمات و نادیده‌ماندن حقوق مسافران و رانندگان است؛ وضعیتی که با توجیه کمبود منابع یا فشارهای بیرونی قابل توضیح نیست. یکی از مطالبات اصلی جامعه عدالت در قیمت، کیفیت واقعی و ایمنی خدمات است. پرسش‌های ساده‌ای مطرح می‌شود: چرا هزینه‌ها افزایش می‌یابد، اما بهبود محسوسی در ایمنی و رضایت مسافر دیده نمی‌شود؟ چرا ناوگان فرسوده همچنان فعال است؟ و چرا سازوکار رسیدگی به شکایات، اغلب بی‌نتیجه می‌ماند؟ پاسخ این پرسش‌ها معمولاً در فرآیندهای تصمیم‌گیری غیرشفاف و نبود پاسخ‌گویی روشن نهفته است.

حمل‌ونقل منافع در سیاست‌گذاری و نظارت نیز به یکی از چالش‌های جدی تبدیل شده است. زمانی که نقش تنظیم‌گر، ناظر و دی‌نفع از هم تفکیک نمی‌شود، قانون به‌جای حمایت از منافع عمومی، ناخواسته به تثبیت وضع موجود کمک می‌کند. در چنین شرایطی، اصلاحات سطحی یا برخورد‌های مقطعی، تأثیر پایداری نخواهند داشت. نادیده‌گرفتن صدای مسافران، رانندگان و فعالان مستقل، سرمایه اجتماعی را فرسوده و نارضایتی را مزمن می‌کند. مطالبه امروز جامعه، شفافیت واقعی رقابت بین‌متصفان، تفکیک مسئولیت‌ها و پاسخ‌گویی عملی نهادهای مسئول است؛ مطالباتی که تحقق آنها نیازمند اراده جدی برای اصلاح ساختارها و بازنگری در رویه‌های موجود است. نقد وضعیت موجود، نفی اصل خدمات عمومی یا ضرورت قانون‌گذاری نیست؛ تأکیدی است بر ضرورت بازگشت به کارکرد واقعی مقررات در حمایت از منافع عمومی. حمل‌ونقل مسافری حوزه‌ای است که ناکارآمدی در آن به‌طور مستقیم و روز‌مره بر زندگی شهروندان اثر می‌گذارد. بی‌توجهی به این واقعیت، هزینه‌های اجتماعی و اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و فاصله میان سیاست‌گذار و جامعه را عمیق‌تر می‌کند. اصلاح تدریجی اما واقعی، تنها مسیر قابل اتکا برای پاسخ به مطالبات انباشته‌ای است که دیگر نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

شرق: دولت چهاردهم دومین بودجه خود را دیر هنگام به مجلس برد؛ بودجه‌ای که روی کاغذ گفته می‌شود کسری آن صفر است، اما در عمل با واقعیت‌های موجود دخل‌وخرج کشور همخوانی ندارد. این روزها شرایط اقتصادی کشور در تنگنای کم‌سابقه‌ای به سر می‌برد؛ نرخ تورم به بیش از ۴۰ درصد رسیده و افزایش تنش‌های خارجی بر اقتصاد کشور و فروش نفت سایه نااطمینانی انداخته است. از آن سو، حجم طرح‌های عمرانی زمین‌مانده به عدد در‌خور توجهی رسیده است. بنا بر گفته مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، «بیش میلیون میلیارد پروژه در کشور داریم که در حال خاک‌خوردن است که روی زمین است و باید بسازیم و نمی‌توانیم؛ در حال خاک‌خوردن است». گذشته از این، تورم مزمن و دستمزدهای پایین سبب شده است قدرت خرید مردم سال به سال کاهش داشته باشد و دولت ناچار است مبالغ هنگفتی را به‌صورت انواع یارانه بپردازد تا سرعت کاهش قدرت خرید شهروندان را کاهش دهد. از سوی دیگر، دولت میراث‌دار انواع ناترازی و زیرساخت‌های مستهلک و فرسوده‌شده است؛ بالا بحران آب به خانه مردمان کلان‌شهرها رسیده و کاهش کم‌سابقه ذخایر آب پشت سدها سبب شده است دولت بارها نگرانی جدی خود را بابت تأمین آب شرب با عموم مردم در میان بگذارد. همچنین ناترازی انرژی چالشی جدی شده است و درحالی‌که ایران دارای دومین ذخایر بزرگ گاز و چهارمین ذخایر بزرگ نفت جهان است، قادر نیست حدود یک‌سوم تقاضای گاز و یک‌پنجم تقاضای برق بازار داخلی را پاسخ‌گویی کند و این مسئله گریبان صنایع و کارخانجات کشور را گرفته است.

کاهش شدید درآمدها دولت در بودجه ۱۴۰۵

دولت لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ را به مجلس برد؛ آن‌هم درحالی‌که وضعیت اقتصادی کشور بیش از همیشه زیر فشار است. براساس بودجه سال ۱۴۰۵ در بخش درآمدهای دولت و در بخش واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، درآمدهای دولت از حدود ۹۳۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ به ۲۷۵ هزار میلیارد تومان رسیده؛ به عبارتی درآمدهای دولت از محل فروش نفت، واگذاری اوراق، تها‌رت نفت بابت تأمین فرآورده کاهش ۷۰درصدی یافته است. همچنین نگاهی به جمع منابع بودجه عمومی دولت در سال ۱۴۰۵ به لحاظ حقیقی نشان می‌دهد که با فرض تورم ۵۰درصدی، در مقایسه با سال گذشته با کاهشی ۴۲.۴درصدی روبه‌رو شده است. به‌علاوه، میزان اتکای دولت در بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به درآمدهای نفتی در لایحه ۱۴۰۵ حدود ۵۶.۵ درصد نسبت به قانون سال قبل کاهش یافته است. درآمدهای مالیاتی دولت براساس لایحه بودجه با افزایش ۶۲.۶درصدی روبه‌رو شده است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد خالص منابع ناشی از فروش یا واگذاری اوراق مالی اسلامی، در سال ۱۴۰۵، با افزایش ۲۵.۳درصدی روبه‌رو شده است. علاوه بر این، آنچه از لایحه بودجه برمی‌آید، این است که میزان درآمد حاصل از افزایش نرخ ارز ترجیحی ۴۶۰ درصد افزایش یافته است که حکایت از برنامه دولت برای حذف نرخ ارز ترجیحی می‌کند. سال آینده دارد. دولت تأکید دارد که این درآمد به سازمان هدفمندی یارانه‌ها اختصاص داده شده است و گفته می‌شود که در قالب کالابرگ به مردم پرداخت خواهد شد. درواقع دولت تمرکز اصلی درآمد خود را در سال آینده بر درآمدهای مالیاتی و درآمد ناشی از حذف ارز ترجیحی گذاشته است و این پیام را مخابره می‌کند که سال آینده فشار بیشتری بر معیشت مردم وارد شده و کسب‌وکارهای گرفتار رکود را با مالیات سنگین‌تر مواجه می‌کند. غلامرضا توسل‌سی، اقتصاددان و کارشناس ارشد مالیات، به «شرق» می‌گوید: «رشد درآمد مالیاتی کشور از نرخ تورم بالاتر است و این مسئله با توجه به اینکه رشد اقتصادی نداریم یا منفی است، از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر نیست. از نظر امکانات و در حقیقت از نظر اصول علم اقتصاد هم همین‌طور است و نمی‌شود از اقتصاد گرفتار رکود مدام مالیات بیشتری گرفت.» او توضیح می‌دهد: «بخشی از افزایش درآمد مالیاتی از محل پرداختن فراریان مالیات تأمین می‌شود و بخش دیگر از محل

کارشناسان اقتصاد در تحلیل بودجه سال آینده می‌گویند که دولت برای جبران کاهش درآمد ناچار به فشار بر معیشت مردم شده است

ساز ناکوک درآمد



عکس:فاطمه‌هاشمی‌جبران

ظاهرا منابع آن به‌صورت فیزیکی وارد اقتصاد کشور نمی‌شود و این موضوع را می‌توان از وضعیت بازار ارز هم تشخیص داد. برداشت از صندوق توسعه ملی نیز شرایطی مشابه فروش نفت دارد؛ یعنی دریافت واقعی ارز محل تردید است و بیشتر جنبه اسمی دارد. در حوزه انتشار اوراق نیز باید توجه داشت که بازار کشتش لازم را ندارد. در سال‌های گذشته هم مشاهده کرده‌ایم که عمده‌تا بانک‌ها خریدار اوراق بوده‌اند و این بانک‌ها نیز در نهایت از منابع بانک مرکزی استفاده می‌کنند. بنابراین همچنان با منابعی در بودجه مواجه هستیم که غیرواقعی و ناپایدار هستند». به گفته فیاضی، «از سوی دیگر، مالیات‌ها حدود ۶۳ درصد افزایش پیدا کرده و نرخ مالیات بر ارزش افزوده نیز به ۱۲ درصد رسیده است. این افزایش‌ها هم به خانوارها فشار وارد می‌کند و هم به بنگاه‌های اقتصادی. در مجموع، برخلاف ادعای دولت، این بودجه به‌گونه‌ای تنظیم شده که فشارها را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به خانوارها منتقل می‌کند. براساس گزارش خود سازمان برنامه، تحقق مالیات‌ها در هشت‌ماهه حدود ۸۵ درصد بوده است.» او می‌افزاید: «شرایط اقتصادی امسال به‌مراتب بهتر از سال آینده است. سالان آینده احتمالاً تحریم‌ها شدیدتر خواهد شد و فشار بر بنگاه‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین حتی اگر تحقق ۵۰درصدی را مبنا قرار دهیم، باز هم شاهد عدم تحقق منابع خواهیم بود. اگر رقم دوهزارو ۹۶۱ هزار میلیارد تومان مالیات پیش‌بینی‌شده را در ۰۰۸۵ ضرب کنیم، با حدود ۱۵ درصد عدم تحقق مواجه می‌شویم؛ یعنی چیزی در حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار میلیارد تومان کسری تحقق خواهیم داشت. ضمن اینکه همین میزان وصول هم عمدتاً با فشار و اجبار صورت می‌گیرد، بدون توجه به وضعیت بنگاه‌ها، شرایط رکودی اقتصاد و مشکلات کسب‌وکارها.

بنابراین حتی این ارقام هم دچار بیش‌برآورد هستند و در نهایت، چه در صورت عدم تحقق و چه حتی در صورت تحقق، فشار اصلی آن بر بنگاه‌ها و خانوارها وارد می‌شود.»

جمع‌بندی

تصمیم‌گیری است؛ سیاست مالی، قواعد بودجه‌ای، ساختار بانکی، قیمت‌گذاری‌ها، ناترازی انرژی و حتی ترتیبات نهادی که ورشکستگی و تضییع را به تعویق می‌اندرآند. در چنین محیطی، انتظار اینکه بانک مرکزی به‌تنهایی و صرفاً با تنظیم نرخ بهره تورم را مهار کند، ساده‌انگارانه است.

دلالت سیاسی: پرهیز از نسخه‌های ساده تجربه تاریخی نشان می‌دهد کاهش تورم، حتی در اقتصادهای با نهادهای قوی، فرآیندی پرهزینه بوده است. در ایران امروز، با محدودیت‌های بیرونی و ناترازی‌های درونی، این هزینه بالقوه بیشتر هم هست. بنابراین، سیاست‌گذار اگر به دنبال راه‌حل‌های سریع و کم‌هزینه باشد، به احتمال زیاد به اقداماتی متوسل خواهد شد که در نهایت تورم را تشدید می‌کنند. مهار تورم در این چارچوب، مستلزم هماهنگی سیاست مالی و پولی، مهار کسری‌های پنهان، ترمیم سمت عرضه و مدیریت انتظارات با ابزارهای معتبر است. در غیاب این هماهنگی، شاید هدف واقع‌بینانه در کوتاه‌مدت را کاهش محسوس تورم، بلکه جلوگیری از ورود اقتصاد به سطوح تورمی بالاتر باشد.

آنچه داده‌های اخیر اقتصاد ایران نشان می‌دهد، ورود به وضعیتی است که در آن تورم، نقدینگی و نرخ بهره هم‌زمان در مسیر صعودی قرار گرفته‌اند. این هم‌حرکتی، زنگ خطری است مبنی بر اینکه فرآیند کاهش تورم دشوارتر، پرهزینه‌تر و زمان‌برتر از گذشته شده است. نادیده‌گرفتن این پیام و دل‌بستن به نسخه‌های تک‌علتی یا تکنوکراتیک، ریسک سیاست‌گذاری را افزایش می‌دهد و هزینه آن مستقیماً بر دوش رفاه اجتماعی خواهد افتاد.

مالیات بر ارزش افزوده است. همچنین مالیات اشخاص حقوقی بالا رفته و هم مالیات بر درآمد افزایش پیدا کرده است، اما در مجموع اوضاع بنگاه‌های اقتصادی و کسب‌وکارها اصلاً جالب نیست؛ در برخی موارد واقعاً اسفناک است. بنابراین، گفتن اینکه این فشار زیادی را به مردم وارد می‌کند، حرف بیراهی نیست.» این کارشناس تأکید می‌کند که تا همین امروز هم افزایش مدام درآمدهای مالیاتی فشار در‌خور توجهی به مردم و کسب‌وکارها وارد کرده است و دولت بهتر بود برای افزایش درآمدهای مالیاتی به سمت حذف معافیت‌های مالیاتی برود و معافیت‌های زائد را حذف کند. او همچنین تأکید می‌کند: «ریشه اصلی گرفتاری‌های کشور تورم دورقمی و مزمن است و اگر تورم در کشور کنترل شود، نتیجه‌اش این است که بسیاری از این مشکلات حل می‌شود و البته باید تأکید کرد که ریشه تورم در بسیاری از موارد اقتصادی نیست و بیشتر مسئله سیاسی است و باید بتوانیم تعاملات‌مان با دنیا را بالا ببریم، تجارت را توسعه بدهیم و سطح سرمایه‌گذاری در کشور را بالا ببریم تا درآمدهای مالیاتی از طریق افزایش رشد اقتصادی و بالا رفتن تولید ناخالص داخلی تأمین و فشار کمتر شود.» محمدتقی فیاضی، دیگر کارشناس اقتصاد نیز به «شرق» توضیح می‌دهد: «امسال بودجه به‌شدت انقباضی بسته شده، اما درواقع بودجه خانوارها و بودجه مردم منقبض شده است. حقوق و دستمزد حدود ۲۰ درصدی در شرایطی که درحالی‌که برآورد می‌شود تورم امسال تا پایان سال حدود ۵۰ درصد باشد و خود بانک مرکزی نیز برای سال آینده تورم ۵۰درصدی را در نظر گرفته است. باین‌حال، با این بودجه، با حذف ارز ترجیحی و با انتظارات تورمی که اکنون در بازار ارز شاهد آن هستیم، احتمالاً نرخ ارز به سطوحی مثل ۷۰ یا ۸۰ هزار تومان و نزدیک به قیمت بازار برسد. از طرف دیگر، ارزش منابع ارزی تخصیص‌یافته به کالاهای اساسی نیز کاهش پیدا کرده است. امسال حدود ۱۱ میلیارد یورو برای کالای اساسی در نظر گرفته شده بود، اما سال آینده این رقم به هفت میلیارد یورو کاهش می‌یابد؛ یعنی حدود چهار میلیارد یورو از این محل کم می‌شود. در نتیجه برای کالاهای اساسی دو اتفاق مهم رخ می‌دهد: اول اینکه حجم منابع تخصیص‌یافته به‌شدت کاهش پیدا می‌کند و دوم اینکه قیمت ارز ترجیحی به شکل در‌خور توجهی افزایش می‌یابد. این موضوع فشار مضاعفی بر معیشت مردم وارد می‌کند.» این کارشناس اقتصاد همچنین تأکید می‌کند: «در مورد منابع بودجه نیز باید گفت اگرچه فروش نفت در ارقام اسمی پیش‌بینی شده، اما مسئله اصلی این است که حتی همین ارقام هم بعد است به‌صورت واقعی وارد کشور شود. فروش نفت انجام می‌شود، اما

چرا مهار تورم دشوارتر شده است؟

رژیمی که در آن چند مکانیسم به‌طور هم‌زمان فعال هستند: **موتور مالی پولی**؛ کسری‌های آشکار و پنهان دولت، ناترازی بانک‌ها و تکلیف بودجه‌ای، در نهایت خود را در رشد نقدینگی نشان می‌دهد. **موتور ارزی-هزینه‌ای**؛ محدودیت‌های ارزی، شوک‌های بیرونی و اختلال در زنجیره تأمین، هزینه تولید و واردات را بالا برده و تورم هزینه‌ای را مزمن کرده است. **موتور انتظارات**؛ ایران اقتصاد سابقه تورمی بالا، نرخ ارز به لنگر ذهنی قیمت‌ها تبدیل می‌شود و هر شوک سیاسی یا ارزی، انتظارات تورمی را به‌سرعت فعال می‌کند. ترکیب این سه موتور باعث می‌شود اثر نقدینگی بر تورم با تأخیر اندک ظاهر شود و سیاست پولی کلاسیک کارایی محدودی داشته باشد.

نرخ بهره بالا: ابزار سیاست با علامت بحران؟

افزایش نرخ بهره در چنین بستری، پیامدهای دوگانه‌ای دارد؛ از یک سو، هزینه تأمین مالی بنگاه‌ها افزایش می‌یابد و رکود تعمیق می‌شود و از سوی دیگر، در شرایط ضعف ترازنامه‌ای، بنگاه‌ها و حتی دولت قادر به ایفای تعهدات خود نیستند و امهال بدهی‌ها به قاعده تبدیل می‌شود. این فرآیند، هم جریان «هدم نقدینگی» را کند می‌کند و هم از مسیر انباشت سود اسمی، به رشد بیشتر نقدینگی می‌انجامد. به این ترتیب، یک دور باطل شکل می‌گیرد: تورم بالاتر، مطالبه نرخ بهره بالاتر، تنگنای مالی و امهال بدهی، رشد بیشتر نقدینگی، تورم بالاتر. این چرخه توضیح می‌دهد که چرا در اقتصاد ایران می‌توان هم‌زمان شاهد نرخ بهره بالا و رشد بالای نقدینگی بود؛ وضعیتی که با منطق «اثر نقدینگی» در چارچوب‌های ساده سازگار نیست.

مسئله تورم، مسئله یک نهاد نیست

تقلیل تورم به عملکرد یک نهاد خاص، خطای تحلیلی است. در اقتصاد ایران، تورم محصول برهم‌کنش کل نظام

خبر

لایحه بودجه ۱۴۰۵ با زبان جدید ریال جدید وقران رسما به اقتصاد ایران آمد

در پی تصویب حذف صفر از پول ملی و لازم‌الاجرا شدن آن از اسفندماه، لایحه بودجه ۱۴۰۵ نیز با ریال جدید بسته شده است؛ بنابراین انتظار می‌رود سال آینده بازارهای پولی و مالی وارد فضای جدیدی شوند و اسکناس‌های چاپ جدید هم کم‌کم روانه بازار شود تا طی یک پروسه پنج‌ساله، واحد پولی جدید در اقتصاد کشور حاکم شود. به گزارش ایسنا، عصر روز گذشته (دوم دی ۱۴۰۴) مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، در حالی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ را تقدیم مجلس کرد که این لایحه با توجه به لازم‌الاجرا شدن قانون حذف «چهار صفر» از پول ملی، با ریال جدید بسته شده است. طبق تصمیم نمایندگان مجلس در تاریخ ۱۳ مهر ۱۴۰۴ ایرادات شورای نگهبان در لایحه اصلاح قانون پولی و بانکی کشور (حذف چهار صفر از پول ملی) تصویب و قرار شد طی یک پروسه پنج‌ساله اجرایی شود. بنابراین لایحه بودجه سال آینده با تغییر واحد پولی رسماً اجرایی شد. طبق مصوبه مجلس، تعدیاتی که پیش از این براساس واحد پول ریال جاری (سال ۱۴۰۴) ایجاد شده، تنها با واحد پول ریال و اجزای آن «قران» قابل ایفا است. براساس این پول ملی ریال است و قران به‌عنوان جزء فرعی ریال تعیین شده و حذف چهار صفر از پول ملی مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین این‌نامه اجرایی این ماده باید تا سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن (پس از ابلاغ رئیس‌جمهوری)، از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه شود و پس از تأیید هیئت عالی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. با توجه به اینکه این قانون در تاریخ یکم آذر ۱۴۰۴ از طرف مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، ابلاغ شده است، بانک مرکزی نیز باید تا سه ماه (تا یکم اسفند سال جاری) این‌نامه اجرایی این قانون را برای چاپ پول، جمع‌آوری اسکناس‌های قدیمی و... ارائه کند. به‌این‌ترتیب، از سال آینده می‌توان انتظار ورود اسکناس‌های جدید به بازار و جمع‌آوری اسکناس‌های قدیمی را جامعه را داشت. گفتنی است طبق روال قبلی (ریال قدیم) رقم بودجه ۱۴۴میلیون و ۱۴۱۴هزارو ۱۷۵میلیارادر ۵۶ میلیون ریال محاسبه خواهد شد، اما براساس لایحه بودجه ۱۴۰۵ که با ریال جدید (حذف چهار صفر) آمده، ۱۴هزارو ۴۴۱میلیاردو ۴۱۷میلیون و ۵۰۵هزارو ۶۰۰ ریال است. در سیستم جدید، هر یک ریال جدید برابر با هزار تومان و هر صد توج به یک ریال است. این در حالی است که پیش‌تر بودجه با ریال قدیم (۱۰ هزار ریال برابر با هزار تومان) نگاشته می‌شد.

«ب.ز.» و «ح.آ.» نفت فروختندو پولش را پس نمی‌دهند

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: شنیده‌ایم که فردی با نام «ح.آ.» در چند ماه گذشته نفت کشور را فروخته اما ارز آن را به کشور تحویل نداده و در حال حاضر هم در امارات سکونت دارد. همچنین فردی دیگر که نفت فروخته اما پول آن را تحویل نداده «ب.ز.» است که نمی‌دانیم بر چه اساسی و با چه حساب‌و کتابی به این افراد نفت برای فروش داده‌اند و چه ضمانت‌نامه‌هایی از آنها گرفته‌اند. حسین مصضامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، در گفت‌وگو با ایسنا درباره ورود مجلس به موضوع تراستی‌هایی که در یک سال گذشته از سوی دولت انتخاب شده‌اند و نفت فروخته‌اند اما ارز حاصل از فروش نفت را به کشور برنگردانند، در چند ماه گذشته چندین بار سوئفت جعلی به وزارت نفت و شرکت نیکو داده‌اند، اظهار کرد: در بحث تعهدات ارزی صادرکنندگان غیرنفتی ثابت کردیم که ۹۵ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات به چرخه رسمی اقتصاد کشور برگشته است؛ درحالی‌که عده‌ای منکر این گزارش می‌شدند، اما با اسناد و مدارک محکم و تحقیقات دقیق ثابت کردیم که این میزان از صادراتی به چرخه رسمی اقتصاد برگشت و گزارش هم تأیید شد، اما موضوع تراستی‌هایی که پول نفت را به کشور برنگردانند، مسالاً خاص به خود را دارد و مجلس هم به این موضوع ورود کرده است. او ادامه داد: اطلاعات مربوط به این موضوع محرمانه است و فعلاً با جزئیات نمی‌دانیم که این تراستی‌ها چقدر نفت فروخته‌اند و چقدر ارز وارد حساب این تراستی‌ها شده و چقدر ارز در حساب این تراستی‌ها در چه مدت زمانی رسوب شده است. اما تمام این موضوعات را مورد بررسی قرار می‌دهیم.